

## بیانات مهم مقام معظم رهبری در اجتماع نیروهای شرکت کننده در مانور عظیم طریق القدس - 3 / اردیبهشت / 1376

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين. و الصلاة و السلام علي سيدنا و نبينا ابي القاسم محمد و علي آله الاطيبين الاطهرين المنتجبين. سيما بقيه الله في الارضين

خدا را با همه وجود سپاسگزاريم که ايران اسلامي را يك بار ديگر، مشهد و منظر عظيم ايمان جوشان و انگيزه هاي بي پايان نيروهاي مؤمن و مخلص انقلاب قرار داد. هر يك از اين مانورهاي بزرگ - که بهترين و عزيزترين فرزندان اين ملت و اين کشور در آن اجتماع مي کنند - در حقيقت يك صحنه پرشکوه و يك نمونه فراموش نشدني از حقيقت عظيمي است که امروز در اين کشور و در اين سرزمين الهي و در اين مقطع حساس تاريخ حضور دارد و اين عزيزان آن را در مقابل چشم جهانيان و کساني که مايلند ببينند و حقايق را بفهمند، قرار مي دهند.

آن اجتماعي که دست خدا با آن است، همين اجتماع است. اجتماع دلهاي مؤمن، اجتماع جانهاي پاک و روحهاي نوراني و با صفا، اجتماع جوانان پاکيزه اين ملت که در عصر حاکميت ماديگري بر زندگي قشرهاي جوان در سرتاسر عالم، توانسته اند خود را از تصرف ماديگري نجات دهند و شعله معنويت را - که خدا در همه دلها و جانها برافروخته است - در دل و جان خودشان، برافروخته و مشتعل نگهدارند.

در دوراني که توطئه هاي صهيونيستي بلند مدت، تصميم گرفته بودند نسل جوان کشورها را به مسائل حقير و به شهوات و آلودگيها دچار کنند و سرگرم نگهدارند و متأسفانه در بسياري از کشورها موفق هم شده اند، جوانان اين ملت، اين فرزندان مؤمن مخلص با صفا، اين کساني که استعدادهاي گوناگون بشري در آنها به صورت جوشاني هم وجود دارد و اين را در همه جا ثابت کرده اند و نشان داده اند، توانسته اند خود را از اين توطئه بزرگ صهيونيستي تاريخ معاصر و پيش از دوران معاصر ما حفظ کنند و نگهدارند. اين، يك پديده بسيار شگفت آور و پرشکوه و افتخارآمیز است.

اجتماع چنين جوانان و چنين دلهايي، همان اجتماعي است که در آن نور الهي به چشم اهل بصيرت مي آيد. در چنين مجموعه هاي عظيم است که انسان خدا را مي بيند، قدرت خدا را حس مي کند و اراده لايزال الهي را بر اصلاح بشريت و اصلاح تاريخ، با همه وجود در مي يابد. در چنين موقعيتي، دل هر انسان ديرباوري از اميد سرشار مي شود. مانور بزرگ طريق القدس ما، ناظر به اين معاني است. مانورهاي جوانان و رزمندگان ما در سرتاسر کشور، - هر جايي که تشکيل مي شود - داراي اين مضمون و چنين مفهوم برجسته اي است.

ملت ايران در دوران هجده ساله انقلاب، يك مانور بزرگ سياسي و نظامي و انساني را به طور مستمر در مقابل چشم بشريت قرار داده است. همه اين مانورهايي که در طول جنگ، خود را به صورت واقعي در جبهه هاي نبرد نشان مي داد و امروز به صورت تمرينها و ايجاد آمادگيهايي در اين جا و آن جا به وجود مي آيد، جزئي از آن مانور عظيم ملت ايران است. اين، يعني نمايش قدرت ملتي که تصميم گرفته است از نيروهاي خداداده خود، براي بناي زندگي شرافتمندانه اش بهره گيرد و استفاده کند. اين، يعني يك ملت، با غيرت ملي خود و با احساس شرفي که در وجود و تاريخ و عقايد او نهفته است و مي خواهد بگويد: دست دشمنان کوتاه، دست متجاوزان کوتاه، مستکبران عالم و قدرتهاي پرتوقع و ضد فضايل و ارزشهاي انساني به کناري بروند.

اين ملت، ملتي نيست که با تهديد و ارباب و حضور تهديدآمیز قدرتهاي مادي - که عادت کرده اند حرف خود را عليه ملتها و جوامع به کرسی بنشانند - پا عقب بگذارد، قدرت خود را فراموش کند و به ضعف تلقيني دشمن گوش دهد. اين ملت مي داند که قوي است و فهميده که داراي اقتدار است. معنای اين مانورها و اين اجتماعات مبارک و منور اين است. مانور ما، تهديد هيچ همسايه و هيچ ملت و دولتي نيست. علي رغم تبليغات امريکايي و صهيونيستي و بوقهايي که در طول اين هجده سال، همواره خواسته اند ايران اسلامي را تهديد عليه کشورهاي

خلیج فارس نشان دهند، ملت ایران علیه کشورهای خلیج فارس و ملتهای همسایه و هیچ کشور دیگری که متعرض به آن نباشد، تهدیدی به وجود نمی آورد.

ما کسی را تهدید نمی کنیم؛ اما در مقابل آن قدرتهایی که عادت کرده اند همه ملتهایی را که حاضر نیستند در مقابل آنها زانو بزنند، تهدید کنند و به آنان زور بگویند، این ملت با قدرت و توانایی خود و با تکیه به خدا و دستورات قرآن مقدس که به او گفته است به خدا تکیه کن و از کسی نترس، تصمیم دارد که بایستد، تهدید نشود و تهدید آنها را جدی نگیرد و از مواضع بحق و از راه و مدعای حق طلبانه خود، حتی یک قدم عقب ننشیند. مضمون حقیقی این مانورها، این است.

ما کسی را تهدید نمی کنیم. اگر کسانی، دولتهایی، سیاستمدارانی، مطبوعاتچیهای دوست دارند که برای سرگرمی خودشان، یا برای سرگرمی مردمشان، وانمود کنند که ایران اسلامی به عنوان یک همسایه، آنها را تهدید می کند، این بسته به میل خود آنهاست. نیروی ما در خلیج فارس و در محدوده کشور، برای دفاع از مرزهای این میهن پرافتخار اسلامی، برای دفاع از استقلال این ملت و برای ایستادگی در مقابل قدرتهای زورگوست. متأسفانه امروز دنیا غالباً به اردوگاه استکبار و زورگویی از یک طرف، و اردوگاه کسانی که حاضر شده اند زورگویی زورگویان را بشنوند از طرف دیگر، تقسیم شده است. می بینید که دستگاه استکباری، با تشبث به همه امکانات، درصدد است که قدرت ظالمانه و غاصبانه خود را در هر نقطه ای از نقاط عالم که بتواند، گسترش دهد. امروز دولت آمریکا به این قانع نیست که بر کشور و منافع خود تسلط داشته باشد و خود را به عنوان یک کشور و یک ملت، طبق میل و اراده خود اداره کند. آنها می خواهند در هر نقطه ای از عالم که موقعیت جغرافیایی حساسی وجود دارد، حضور داشته باشند؛ هر جا آبراه مهمی وجود دارد، بر آن مسلط باشند؛ هر جا منابع حیاتی زیرزمینی ای وجود دارد، زیر کلید آنها باشد؛ هر جا پول و قدرت و امکاناتی هست، آنها بتوانند بر آن تسلط داشته باشند و هر جا مجموعه ای از انسانها زندگی می کنند، تا آن جا که می توانند، اراده خودشان را بر آن مجموعه انسانی تحمیل کنند. استکبار، یعنی این.

ما با این کارها، مخالف و مقابل و ضدیم. ما نمی توانیم این را قبول و تحمل کنیم. هیچ ملتی هم این را نمی خواهد. هیچ ملت و هیچ مجموعه انسانی ای، نمی خواهد که زیر فرمان دیگران باشد. منتها خیلی از مجموعه های انسانی، متأسفانه یا قدرت خود را کشف نکرده اند و خیال می کنند که نمی توانند، یا شاید هم واقعاً نمی توانند. ملت ایران هم متأسفانه در سالهای متمادی دوران حاکمیت طاغوتها و زمان حاکمیت حکومت فاسد پهلوی و قبل از آن، حکومت فاسد قاجارها، همین وضعیّت را داشت. این ملت بزرگ، این فرهنگ عمیق، این تواناییهای عجیب و این استعداد کم نظیر و درخشان، این گونه مورد سوءاستفاده دشمنان قرار می گرفت. معلوم است که دشمن با یک ملت چه می کند.

عزیزان من! این ملت، از لحاظ علم و فرهنگ و پیشرفتهای فکری و علمی و اجتماعی، عقب مانده و عقب افتاده نبود. این را همین قدرتهای تجاوزگر در طول زمانهای گوناگون، به کمک حکام فاسد بر او تحمیل کردند و ملت ایران را به زور و ظلم، از قافله تمدن و دانش بشری و پیشرفتهای علمی، عقب نگذاشتند. اسلام آمد، این ملت را زنده کرد و او را با تواناییهای خودش آشنا نمود. خدای متعال، معلمی برای این ملت فرستاد که با زبان پیامبران با او حرف زد، او را بیدار کرد و به حقّ خود و قدرتش آشنا نمود. به او فهماند که اگر یک ملت بخواهد اراده کند، چه معجزه های بزرگی از او و به دست او سر می زند. این ملت بیدار شد. هجده سال است که این ملت با بهره گیری از این درسهای آسمانی و الهی توانسته است یکی پس از دیگری، این بندهای جادویی را که دشمنان در دست و پا و برگردن او بسته بودند، باز کند. از لحاظ علمی و سازندگی کشور، به حرکت افتاد و از لحاظ اخلاقی و ارزشهای دینی، راه زیادی را پیمود.

امروز این ملت، ملتی است که در مقابل هیچ قدرتی در دنیا مرعوب نیست. این، چیز کمی نیست. این ملت، احساس قدرت می کند. روزی در این دنیا، دو ابرقدرت دست به دست هم دادند و با این که در همه مسائل، یا بسیاری از مسائل ضدّ هم بودند، در این مسأله یکی شدند تا این ملت را از راه اسلام برگردانند و او را پشیمان کنند و در را بر

همان پاشنه قبلی بچرخانند؛ اما نتوانستند. والله هیچ قدرتی امروز در دنیا نمی تواند ملت ایران را از راه پرافتخار اسلام و قرآن برگرداند. کسانی که غیر از این گمان می کنند، چه فکر می کنند؟

آنهایی که عادت کرده اند به هر مناسبتی یا بی مناسبت، زبان انتقاد بر روی ملت ایران باز کنند، یاوه بگویند و یاوه بنویسند، دچار تحلیل و فهم غلط از مسائل این کشورند؛ چون این ملت و زبان این ملت را نمی فهمند. من این سخن را به همه کسانی که در سطح دولتهای عالم، درباره ملت ایران و کشور ایران می اندیشند و تصمیم می گیرند، می گویم که سعی کنند این ملت را درست بشناسند. تحلیل‌های غلط، راه‌های غلط در مقابل انسانها می گذارد. وقتی که این ملت را بد می فهمند، آن وقت بد هم تصمیم می گیرند. مثل امریکاییها که هیچ وقت سعی نکردند این ملت را آن چنان که هست، بشناسند و زبانش را بفهمند. فرهنگ آنها با همان چارچوبهای قالبی، با همان واژه‌هایی که برای خود آنها معتبر است، ممکن است برای اکثر ملتهای عالم معتبر نباشد. هر ملتی، فرهنگی دارد. برای یک ملت، چه اجباری است که فرهنگ و ایمان و فهم خود را از مسائل رها کند و تسلیم فرهنگ و فهم کس دیگری از مسائل شود؟ چرا بعضی این قدر پرتوقع، خشک مغز و دچار تفکرهای قالبی هستند؟! هر کس که امروز درباره ملت ایران، این طور حرف بزند و قضاوت کند، دچار اشتباه خواهد شد. خط مشی ملت ایران، یک خط مشی روشن در مسائل جهانی است.

ملت ایران به خاطر این که گذشته خود را با بصیرت نگاه می کند، چشم خود را بر گذشته نمی بندد. مسائل تاریخ خود، تاریخ نزدیک خود، از صد سال پیش، از پنجاه سال پیش، از سی سال پیش را با دقت نگاه می کند. ملت ایران به این نتیجه رسیده است که رژیم استکبار - و در وضع فعلی، رژیم ایالات متحده امریکا - در طول شاید قریب سی و پنج سال که در زمان رژیم منحوس پهلوی بر این کشور تسلط سیاسی داشته، به او خیلی بدی کرده است. ملت ایران، این را فهمیده و دانسته و دیده است. دست اینها به خون مردم آغشته است. به این ملت اهانت کردند، ثروتهای او را بردند و از رژیم فاسد ضد بشری - مثل رژیم محمد رضا - حمایت کردند.

بعد از آن مدت سی و پنج سال، از اول پیروزی انقلاب تا امروز هم، امریکاییها هر چه توانسته اند با این کشور و با این ملت دشمنی کرده اند. ملت ایران، با مشاهده این وضعیّت، حاضر نیست به این آسانبها گناه امریکاییها را ببخشد؛ تمام شد و رفت. ملت ایران حاضر نیست که از گناه رژیم ایالات متحده امریکا صرف نظر کند. آن کسانی که در سطح عالم، خودشان را به امریکا وصل می کنند؛ خودشان را در جبهه امریکا قرار می دهند، به همان اندازه که خود را به امریکا وصل کنند، از نظر ملت ایران، در جرائم دولت امریکا شریکند.

امریکاییها سعی کرده اند این طور وانمود کنند و جا بیندازند که غرب، یعنی امریکا و اصلاً بلوک غرب، بدون امریکا معنا نمی دهد. البته واقعیت این نیست. من در چند سال قبل از این - در زمان حیات مبارک امام رضوان الله تعالی علیه - به یکی از این سیاستمداران اروپایی گفتم: ما هیچ وقت حاضر نیستیم استقلال خودمان را در زمینه های سیاسی و اقتصادی و فرهنگی، به هیچ چیزی بفروشیم و معامله کنیم؛ اما غرب به عنوان یک طرف برای جمهوری اسلامی مطرح است؛ مشروط بر این که غرب به معنای امریکا نباشد. ملت ایران از امریکا نمی گذرد و با او کنار نمی آید. به او گفتم: امریکا سعی می کند این طور وانمود کند که غرب مساوی با امریکاست. ما می گوئیم که این طور نیست؛ اما اگر کشورهای اروپایی می خواهند تصدیق کنند که غرب منهای امریکا معنا ندارد، ملت ایران هیچ اهمیتی نمی دهد که غرب را به عنوان یک طرف تجاری و سیاسی و معاملی خودش نداشته باشد. این طور نیست که خیال کنید ملت ایران، به ارتباط با یک کشور، یا با مجموعه ای از کشورها نیاز دارد. البته همه کشورها در دنیا، به نحوی از ارتباط با یکدیگر استفاده می کنند. به یک معنا، همه به نحوی به هم احتیاج دارند - این محل بحث ما نیست - اما این که کسی خیال کند ملت ایران یا دولت جمهوری اسلامی ایران، ناچار است با فلان مجموعه از کشورها ارتباط داشته باشد، این خطای فاحش و غلط بزرگی است. امروز هم ما همین حرف را تکرار می کنیم. ما دنیا را به یک چشم نگاه نمی کنیم. ما کشورهای گوناگون را به یک چشم نگاه نمی کنیم. آن دولتهایی که به ملت ایران بدی کرده اند، با آن دولتهایی که به عنوان یک طرف سالم در زمینه های گوناگون مطرح شده اند، یکسان نیستند.

دنیایی که با تعلیمات ارزشمند پیامبران الهی و با آیات نورانی خدای متعال، برای بشر آراسته و منور شده است، دنیای شایسته انسان است. دنیایی که در آن، هم آبادی و رفاه و پیشرفت علمی و پیشرفت صنعتی هست و هم اقتدار سیاسی و تعالی معنوی وجود دارد. دنیایی که در آن، انسانها کنار یکدیگر احساس آرامش و امنیت و اطمینان می کنند و انسانیت در آن شکوفاست؛ چیزی که در دنیای ساخته تمدن مادی وجود ندارد؛ چون در دنیای مادیگری، انسانها مثل گرگها باید از هم بترسند. ملت ایران مصمم است که چنین دنیایی را هم از جنبه مادی و هم از جنبه معنوی، برای خود به وجود آورد و بسازد. این، یک مبارزه طولانی و بلند مدت است. آنهایی که می کوشند این طور وانمود کنند که ملت یا دولت جمهوری اسلامی ایران، در پی آن است که به آن کشور، به آن دولت، به آن مرز جغرافیایی تجاوز کند، اشتباه نکنند. ملت و دولت جمهوری اسلامی ایران، برای بنای این کشور و پیشرفت این جامعه، هزاران کار بزرگ و درخشان پیش پای خود دارند که آنها را از پرداختن به چنین کارهایی باز می دارد. امروز بحمدالله کاروان علم و تمدن اسلامی - تمدنی که می تواند به دنیا خدمت کند - در این کشور به راه افتاده است.

جوانان عزیز من؛ بسیجیان عزیز، جوانان مؤمن، دل‌های نورانی ای که آیات خدا را شنیدید، پذیرفتید، فهمیدید و به کار بستید! آینده متعلق به شماست. میدان در مقابل شما باز است؛ پس خودتان را در همه جبهه ها و عرصه های گوناگون آماده کنید. البته همه بدانند که این راه، راهی است که اگر یک ملت مثل شما، آن را با موفقیت ببیند و به فضل پروردگار به نتایج آن برسد، ملتهای دیگر از آن درس می گیرند و راه را پیدا می کنند. این، همان چیزی است که استکبار را وادار می کند که با همه وجود بخواد علیه ملت ایران وارد اقدامهای خشن و خصمانه شود. باید برای مقابله با دشمنی که در مقابل ملت ایران - اگر بتواند - مهیای هر گونه اقدام خشنی است، آماده بود. دولتهای مستکبر، چه در گذشته و چه در حال، تا هر جا که توانستند و بتوانند، همیشه خودشان را به ابزارهای تسلیحاتی مجهز می کنند. آن جایی که لازم باشد، حرفی ندارند که دوستانشان هم تسلیحات جنایت آمیز را برای خودشان به وجود آورند! این، چیزی است که در دنیا مشهود است. همینهایی که امروز در کشور آلمان، جمهوری اسلامی را به بی اعتنایی به جان انسانها متهم می کنند و این اتهام بسیار ظالمانه و مغرضانه و غیر منصفانه را به ایران می زنند، همان کسانی هستند که اگر نگوییم خودشان، اما حداقل این است که بگوییم جلو چشمشان، شرکتهای آلمانی، رژیم بعثی را با خطرناکترین و جنایت بارترین سلاحهای شیمیایی مجهز کردند. جنگ، اتفاق خشن و نامطلوبی است؛ اما بالاخره قاعده و قانونی باید داشته باشد. در جنگ هم جوانمردی و ناجوانمردی داریم. رژیم متجاوز بعثی، ناجوانمردانه ترین روشها را علیه ملت ایران و جوانان ما به کار برد. شهر تهران و دهها شهر را بارها و بارها، برای مدتهای طولانی با موشکهای دوربرد کوبیدند. در جبهه ها، سلاحهای شیمیایی به کار بردند؛ نه بک بار، نه دوبار، نه مدت یک ماه، دو ماه؛ سالهای متمادی، شاید پنج سال، شش سال، در این جبهه های ایران و عراق، سلاح شیمیایی به وسیله رژیم بعثی به کار رفت. این سلاحها را چه کسی به آنها داده بود؟ غیر از کشورهایی که دم از حقوق بشر می زنند؟! این سلاحها را غیر از آنها کس دیگری در اختیار رژیم بعثی گذاشته بود؟ امروز خیلی چیزها آشکار شده است. خدای متعال، پشت گردن خود غربیها - همانهایی که بعضی با ملت ایران و با جمهوری اسلامی، بسیار هم بدند و دشمنند - زد، تا به دلایلی وادار شوند اعتراف کنند و بنویسند. خودشان در کتابها و مقالاتشان نوشتند: شرکتهای آلمانی - که یقیناً بسیاری از اینها را بدون اجازه دولت آلمان نمی فروختند - این سلاحهای شیمیایی و این مواد مرگبار را به عراقیها فروخته اند! برای چه فروختند؟ آیا نمی دانستند که بناست اینها در میدان جنگ به کار برود؟ گاز خردل را کجا به کار می برند؟ کسی که سلاحهای مرگبار شیمیایی را می خرد، کجا می خواهد به کار ببرد؟ آیا می خواهد ببرد در خانه خودش استنشاق کند؟! معلوم است که می خواهد ببرد در میدان جنگ مصرف کند.

همینهایی که دولت جمهوری اسلامی را به بی مبالاتی نسبت به جان انسانها متهم می کنند، از خدایی که به او اعتقاد ندارند، خجالت نکشیدند و نترسیدند؛ از وجدان بشری ملاحظه نکردند و اینها را به میزان زیادی به رژیم بعثی فروختند. او هم آن سلاحهای مرگبار را در جلو چشم آنها، در مرزها و در میدانهای جنگ به کار برد. بعد ما بسیاری از

مجروحان شیمیایی را برای معالجه به همین آلمانی فرستادیم که سلاح شیمیایی از زیر دستش خارج شده بود! اینها وجدان دارند؟! اینها برای ارزشهای انسانی و جان انسانها احترام قائلند؟ آیا شرم نمی کنند که ادعاهای واهی را مطرح می کنند؟!

عزیزان من! این دشمنیها با نظام جمهوری اسلامی - این بی انصافیها، این غرض ورزیها - همه به خاطر این است که ملت ایران، راه استقلال در سایه حاکمیت قانون الهی را برگزیده است و حاضر نیست که در مقابل آنها به زانو درآید و اظهار ضعف کند. در مقابل چنین دشمنیهایی باید مجتهد و آماده بود. شما این آمادگی را به این ترتیب به وجود آوردید. من از همه نیروهای مسلح سرافرازمان در سرتاسر کشور - از سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، از ارتش جمهوری اسلامی و از نیروی انتظامی - به خاطر آمادگیهایشان تشکر می کنم. امروز نیروهای مسلح جمهوری اسلامی، به معنای حقیقی کلمه، در خدمت حق و حقیقت و ارزشهای اسلامی اند. سپاس و ستایش و تمجید و تحسین فراوان خود را بر جوانان بسیجی مؤمن در سرتاسر کشور؛ این دلهای پاک، این دلهای تپنده با عشق به خدا، با ایمان به حقیقت، با اخلاص و باصفا، نثار می کنم. این اخلاص و صفا را در خودتان حفظ کنید.

بحمدالله این میدان با نظم و ترتیبی که امروز مشاهده کردیم، مایه خرسندی و افتخار است؛ نظم و ترتیبی که حاکی از رشد فکری و آمادگیهای کامل در زمینه های مربوط به این چیزهاست. ان شاءالله فردا هم مانورهای زمینی این نیروهای مؤمن، هم در این جا و هم در سایر مناطقی که برادران عزیز مسئول در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ذکر کردند و برنامه ریزی نمودند، اجرا خواهد شد. من از همه شما و از آن برادران عزیزی که در این میدان نیستند - در دایره وسیعی هستند که مانور بزرگ طریق القدس، آن را شامل است - سپاسگزارم و برای همه شما دعا می کنم. از خداوند متعال، با تضرع و با خضوع درخواست می کنم که فضل و رحمت و لطف و هدایت و توفیق و کمک خود را بر همه شما نازل فرماید.

پروردگارا! تو را به قرآن، تو را به آیه های نورانی نازل شده بر قلب مبارک پیامبر اسلام، ما را در راه قرآن و در راه اسلام زنده بدار و در همان راه بمیران. پروردگارا! مرگ ما را جز به شهادت در راه خودت قرار نده. پروردگارا! قلب مقدس ولی عصر را از ما راضی کن. پروردگارا! ما را از سربازان آن بزرگوار قرار ده. پروردگارا! روح مطهر شهیدان و روح متعالی و مقدس امام بزرگوار را از ما راضی و خشنود کن. والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته